

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٠١١٧٢



مرکز آموزش عالی کازرون

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

بررسی جلوه‌های «خیام‌پنداری» در ادبیات معاصر ایران
بر اساس آثار و آراء صادق هدایت و احمدشاملو (۱. بامداد)

توسط:

امین سرانجام

(شماره دانشجویی: ۸۴۰۲۰۷)

استاد راهنما:

دکتر محتشم محمدی

۱۳۸۶

۱۰۱۱۶۳

۱۳۸۷ / ۱۵ / ۲۳

به نام خدا
بررسی جلوه‌های «خیام‌پنداری» در ادبیات معاصر ایران براساس
آثار و آراء صادق هدایت و احمد شاملو (ا. بامداد)

به وسیله‌ی:

امین سرانجام

پایان نامه

ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی
از فعالیت‌های تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته‌ی:

زبان و ادبیات فارسی

از مرکز آموزش عالی کازرون

دانشگاه شیراز

جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی شده توسط کمیته پایان نامه با درجه: عالی
دکتر محترم محمدی، استادیار بخش زبان و ادبیات فارسی (رئیس کمیته)
دکتر خیرالله محمودی، استادیار بخش زبان و ادبیات فارسی
دکتر جلیل نظری، دانشیار بخش زبان و ادبیات فارسی

اسفندماه ۱۳۸۶

تقدیم به :

یاد سه بزرگمرد ادبیات جهان
« عمر خیام، صادق هدایت و فرانتس کافکا »

سپاسگزاری

اکنون که این پایان نامه به انجام رسیده است وظیفه خود می دانم که از تمام
استادان بویژه از استاد راهنمای محترم رساله، جناب آقای دکتر محتشم محمدی و
اساتید محترم مشاور، آقایان دکتر خیرالله محمودی و دکتر جلیل نظری
سپاسگزاری نمایم

چکیده

بررسی جلوه‌های «خیام‌پنداری» در ادبیات معاصر ایران براساس آثار و آراء صادق هدایت و احمدشاملو (ا.بامداد)

روایت موقعیتهای بشری، از دیرباز رسالت مکتبها و آیین‌های مهم و تأثیر گذار جهان بوده است. با این حال مضامینی چون مرگ اندیشی، هیچ‌انگاری، جبرگرایی، سفارش به غنیمت شمردن لحظه و ... در ادبیات فارسی یادآور نام حکیم عمر خیام نیشابوری است.

در این پایان‌نامه تلاش شده تا ضمن بحث از همسویی تفکرات و اندیشه‌های خیامی با آموزه‌ها و پیام‌های مکتبهای مشهور و اثرگذاری چون آیین بودایی، فلسفه اپیکور و ...، هماهنگی و هم‌خانوادگی پرسشهای فلسفی خیام با مبانی و آموزه‌های مهمترین مکتبهای فلسفی دوران معاصر و آثار ادبی متأثر از این مکتبها نشان داده شود. همچنانکه در فلسفه‌هایی از قبیل اومانیسم، ناتورالیسم، ماتریالیسم، اگزیستانسیالیسم و ... نیز به همان موقعیتهایی اشاره می‌شود که خیام در ترانه‌های فلسفی خود، روایتگر آنهاست.

از آنجا که بحث از صحت انتساب رباعیات در میان خیام پژوهان معاصر به چالشی پایان‌ناپذیر تبدیل شده، در جای‌جای این رساله بر این نکته تأکید ورزیده ایم که این پایان‌نامه در پی گشودن معمای رباعیات نیست و تنها کیفیت حضور اندیشه‌های خیامی را در حوزه‌ی ادبیات معاصر ایران گزارش می‌کند.

به منظور ارائه تصویری روشن از این پدیده، صادق هدایت به عنوان نماینده روشنفکران نسل پس از شکست مشروطه و احمد شاملو (ا.بامداد) از نسل شاعران شکست‌نهیضت‌ملی (۱۳۳۲ ه.ش) انتخاب شده و جلوه‌های «خیام‌پنداری» در ادبیات معاصر ایران بر اساس آثار و آراء ایشان مورد بررسی قرار گرفته است.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

گفتار اول :

۲	۱-مقدمه	۲
۲	۱-۱-پیشگفتار	۲
۴	۲-۱-«خیام پنداری»	۴
۷	۳-۱-خیام در غرب	۷
۱۰	۴-۱-نقد برخی دیدگاههای پژوهشگران معاصر ایران درباره خیام	۱۰
۱۴	۵-۱-انتساب رباعیات	۱۴
۱۵	۱-۵-۱-خیام شناسان	۱۵
۱۷	۶-۱-«خیام پنداری»	۱۷
۱۸	۷-۱-ضرورت تحقیق	۱۸
۱۹	۸-۱-پیشینه تحقیق	۱۹
۲۲	۹-۱-روش تحقیق	۲۲

گفتار دوم:

۲۴	۲-پیرامون روزگار، فلسفه، شعر خیام و شناخت و معرفی «مکتب تفکر خیامی» ...	۲۴
۲۴	۱-۲-مختصری در شرح حال و آثار خیام	۲۴
۲۵	۱-۱-۲-مطالب منابع قدیم	۲۵
۲۹	۲-۱-۲-درباره خیام	۲۹
۳۱	۳-۱-۲-مختصری درباره آثار خیام	۳۱
۳۳	۲-۱-۳-۱-درباره «نوروزنامه»	۳۳
۳۴	۲-۲-روزگار خیام	۳۴
۳۵	۱-۲-۲-حکومت سلجوقیان	۳۵
۴۲	۲-۲-۲-معتزله و اشاعره	۴۲
۴۴	۳-۲-۲-وضعیت فلسفه	۴۴
۴۹	۳-۲-خیام و ترانه‌های فلسفی	۴۹
۵۶	۴-۲-خیام و فلسفه اسلامی	۵۶

۶۲	۲-۴-۱-رساله‌های فلسفی خیّام و موضوعات آنها
۶۹	۲-۵-خیّام و تصوف
۷۱	۲-۵-۱-برخی تفاوت‌های تفکر خیّامی با بینش عرفانی
۷۶	۲-۶-۱-خیّام و برخی فلسفه‌های بدبین شرقی
۷۶	۲-۶-۱-آیین بودایی
۸۰	۲-۶-۲-هندویسم
۸۰	۲-۶-۳-آیین مانی
۸۱	۲-۷-خیّام و اپیکوریسم
۸۲	۲-۷-۱-حکمای یونانی پیش از سقراط
۸۴	۲-۷-۲-رواقیان
۸۵	۲-۷-۳-کلبیان
۸۵	۲-۷-۴-شکاکان
۸۶	۲-۷-۵-اپیکور
۸۶	۲-۷-۱-لذت از دیدگاه اپیکور
۸۷	۲-۷-۲-ذره گرایی (اتمیسیم)
۸۸	۲-۷-۳-اخلاقیات حکمت اپیکوری
۹۰	۲-۷-۴-مشابهت‌های خیّام و اپیکور
۹۳	۲-۷-۵-تفاوت‌های خیّام و اپیکور
۹۵	۲-۸-خیّام و نیهیلیسم
۹۵	۲-۸-۱-تعریف نیهیلیسم و پیشینه آن
۹۷	۲-۸-۲-مضامین پوچ‌گرایی در رباعیات خیّام
۹۹	۲-۹-خیّام و زروان گرایی
۱۰۷	۲-۱۰-خیّام و میراث ایران باستان
۱۰۹	۲-۱۱-خیّام و سایر مکتبها، جریانها، شخصیتها
۱۰۹	۲-۱۱-۱-لاادریّه
۱۱۱	۲-۱۱-۲-اخوان الصفا
۱۱۳	۲-۱۱-۳-باطنیان
۱۱۵	۲-۱۱-۴-ابوالعلائی معری
۱۱۷	۲-۱۲-مکتب تفکر خیّامی

گفتار سوم :

- ۳- چشم انداز جلوه‌های «خیام پنداری» در ادبیات معاصر ایران از شکست مشروطه تا پایان دهه ۱۳۳۰ هـ.ش ۱۲۴
- ۱-۳- تفاوت‌های نگرش خیامی کلاسیک و مدرن ۱۲۷
- ۲-۳- تفکر خیامی در ادبیات پس از شکست مشروطه تا پایان دهه ۱۳۳۰-۱۳۲۰ هـ.ش ۱۳۰
- ۳-۲-۱- ایرج میرزا ۱۳۳
- ۳-۲-۲- محمدرضا میرزاده عشقی ۱۳۴
- ۳-۲-۳- محمد مسعود (م.دهاتی) ۱۳۷
- ۳-۲-۴- احمد کسروی ۱۳۸
- ۳-۲-۵- علی اسفندیاری (نیمایوشیج) ۱۳۹
- ۳-۲-۶- محورهای فکری-فرهنگی دوران ۱۴۰
- ۳-۲-۷- صادق چوبک ۱۴۳
- ۳-۳- تفکر خیامی و گسترش بی‌سابقه آن در ادبیات دهه ۱۳۴۰-۱۳۳۰ هـ.ش ۱۴۶
- ۴-۳- شاعران «خیام پندار» نسل دهه ۱۳۴۰-۱۳۳۰ هـ.ش ۱۵۲
- ۳-۴-۱- مهدی اخوان ثالث (م.امید) ۱۵۳
- ۳-۴-۲- فروغ فرخزاد ۱۵۶
- ۳-۴-۳- نصرت رحمانی ۱۵۷
- ۳-۴-۴- اسماعیل خوئی ۱۶۱
- ۳-۴-۵- دیگر شاعران «خیام پندار» دهه سی و بعد از آن ۱۶۱
- ۳-۵- نویسندگان «خیام پندار» نسل دهه ۱۳۴۰-۱۳۳۰ هـ.ش ۱۶۳
- ۳-۵-۱- تقی مدرسی ۱۶۴
- ۳-۵-۲- بهرام صادقی ۱۶۷
- ۳-۵-۳- دیگر نویسندگان «خیام پندار» دهه سی و بعد از آن ۱۷۰

گفتار چهارم :

- ۴- سیمای «خیام پنداری» صادق هدایت ۱۷۲
- ۴-۱- آثار صادق هدایت در زمینه خیام پژوهی ۱۷۳
- ۴-۱-۱- «رباعیات حکیم عمر خیام» (۱۳۰۳ هـ.ش) ۱۷۳

۱۷۸.....	۲-۱-۴- «ترانه‌های خیام» (۱۳۱۳ هـ ش)
۱۷۹.....	۱-۲-۱-۴- فهرست مطالب کتاب
۱۸۰.....	۲-۲-۱-۴- مقدمه تحلیلی و روش گزینش رباعیات خیام
۱۸۷.....	۳-۲-۱-۴- «خیام فیلسوف»
۲۰۰.....	۴-۲-۱-۴- «خیام شاعر»
۲۰۴.....	۲-۲- ارزیابی کار هدایت از سوی پژوهشگران ایرانی

گفتار پنجم:

۲۱۱.....	۵- بررسی جلوه‌های «خیام پنداری» در آثار صادق هدایت
۲۱۳.....	۱-۵- فهرست آثار صادق هدایت
۲۱۵.....	۲-۵- جلوه‌هایی از تفکرات خیامی هدایت در برجسته‌ترین آثار او
۲۱۷.....	۱-۲-۵- قطعه کوتاه «مرگ»
۲۱۹.....	۲-۲-۵- مجموعه «زنده به گور»
۲۲۳.....	۳-۲-۵- مجموعه «سه قطره خون»
۲۳۲.....	۴-۲-۵- مجموعه «سایه روشن»
۲۳۹.....	۵-۲-۵- رمان «بوف کور»
۲۴۲.....	۱-۵-۲-۵- جلوه‌هایی از «خیام پنداری» صادق هدایت در «بوف کور»
۲۵۳.....	۶-۲-۵- مجموعه «سگ ولگرد»
۲۵۶.....	۷-۲-۵- رمان «علویّه خانم»
۲۵۷.....	۸-۲-۵- مجموعه «ولنگاری»
۲۵۸.....	۹-۲-۵- داستان کوتاه «سامپینگه»
۲۵۹.....	۱۰-۲-۵- خیمه شب بازی «افسانه آفرینش»
۲۶۰.....	۱۱-۲-۵- «پیام کافکا»
۲۶۴.....	۱۲-۲-۵- نامه‌های هدایت
۲۶۵.....	۳-۵- نتیجه مباحث این گفتار

گفتار ششم:

۲۶۷.....	۶- بررسی جلوه‌های «خیام پنداری» در سروده‌های احمد شاملو
۲۶۸.....	۱-۶- سالشمار مجموعه سروده‌های شاملو

۲۶۹.....	۲-۶- خیام از نظر شاملو
۲۷۰.....	۱-۲-۶- نقد نظر شاملو درباره خیام
۲۷۲.....	۳-۶- شاملو: شاعر «خیام پندار»
۲۷۵.....	۱-۳-۶- شاملو و بینش خیامی مدرن
۲۷۷.....	۱-۱-۳-۶- مقایسه‌ای میان «خیام پنداری» اخوان و شاملو
۲۷۸.....	۴-۶- مضامین و اندیشه‌های خیامی در سروده‌های شاملو
۲۷۹.....	۱-۴-۶- از «هوای تازه» تا «باغ آینه»
۲۸۴.....	۲-۴-۶- مجموعه «آیدا در آینه»
۲۸۹.....	۳-۴-۶- مجموعه «آیدا: درخت و خنجر و خاطره»
۲۹۲.....	۴-۴-۶- مجموعه «ققنوس در باران»
۲۹۹.....	۵-۴-۶- دو مجموعه «مرثیه‌های خاک» و «شکفتن در مه»
۳۰۵.....	۶-۴-۶- مجموعه «ابراهیم در آتش»
۳۱۰.....	۷-۴-۶- مجموعه «مدایح بی‌صله»
۳۱۵.....	۸-۴-۶- مجموعه «در آستانه»
۳۱۷.....	۹-۴-۶- مجموعه «حدیث بی‌قراری ماهان»
۳۱۹.....	۵-۶- نتیجه‌گیری از مباحث این گفتار
۳۲۰.....	نتیجه‌های پژوهش
۳۲۱.....	منابع و مآخذ

گفتار اول

مقدمه

۱- مقدمه

۱-۱- پیشگفتار

آناتول فرانس، نویسنده فرانسوی، در کتاب «باغ اپیکور» که خود اثری است با درونمایه‌های خیّامی، مهمترین ویژگی یک اثر هنری را که می‌تواند به شاهکاری ارزشمند تبدیل شود چنین بیان می‌دارد:

«هرگز بیم نداشته باشیم از اینکه به هنرمندان گذشته، ایده‌آلی را که فاقد آن بودند اسناد دهیم. مردم هیچگاه اثری را خالی از اشتباه، تمجید نمی‌کنند. برای درک یک شاهکار باید آن را مجدداً در ذهن خود خلق نمود. یک کتاب در ضمیر کسانی که آن را می‌خوانند به طور یکسان تأثیر نمی‌بخشد و هر نسل نسبت به آثار استادان سلف، هیجان تازه‌ای را در خود احساس می‌کند و همچنین آدمی فقط نسبت به آثار یا اشعاری شدیداً عشق می‌ورزد که قسمتهایی از آن مبهم و تاریک و قابل تفسیرهای مختلف می‌باشد.»^۱

شاید بتوان ادعا کرد که سرنوشتی که رباعیات خیّام در ادبیات فارسی و ادبیات جهان پیدا کرد، نتیجه برخورداری از این امتیاز بود که این سروده‌ها کمال استعداد را برای برگزیدن از حدودی که یک اثر هنری برای اینکه شاهکار شمرده شود نیازمند به آنهاست، در خود داشت. اثری که در عین صریح و یکرویه بودن پیام آن، اینهمه از قابلیت تأویل و تفسیر برخوردار بود و جالب اینکه این ویژگی، هرگز ناشی از تصنع و تکلف شاعرانه نبود، بلکه عواملی چون: اسطوره شدن شخص سراینده این اشعار و مورد اختلاف بودن آراء و نظرات پیرامون اندیشه‌ها و جهان بینی او و عوامل متعدد برون متنی و درون متنی دیگر، دست به دست هم داد تا خیّام را در ردیف یکی از اسرارآمیزترین و بزرگترین شاعران جهان قرار دهد.

رباعیات خیّام شهرت عالمگیر یافت. به اکثر زبانهای زنده دنیا ترجمه شد و آوازه شهرت او مرزهای ایران را در نوردید و امروزه او تنها افتخار مردم این سرزمین نیست،

۱. باغ اپیکور، ترجمه: کاظم عمادی، ص ۵۹.

بلکه به همهٔ مردم آزاده و فکور جهان تعلق دارد و بینش فلسفی عمیق و پیام بلند او در سراسر آفاق مشهور و منتشر است.

اما راز شهرت و فراگیری پیام خیام چیست؟ مگر نه پرسشهای او از جنس همان پرسشهایی است که از زبان پرومته و گیلگمش بلکه زمانی بسیار پیشتر از آنها، برای بشر مطرح بوده و تا آخر دنیا ادامه داشت؟

در پاسخ به این پرسش باید گفت که در خیام، اندیشه و هنر، پاپیای هم حرکت کرده و چنین فرجام درخشانی را برای شاعر رقم زده‌اند.

در کشور ما، البته، خیام وضعیت خاصی داشته است. هم محبوبیت داشته و هم مورد نفرت و انزجار بوده است و این نیز خود، بیانگر عظمت شاعری است که پیام او آنقدر اهمیت داشته و تأثیر گذار بوده که در طول قرن‌ها واکنشهای مختلفی را برانگیخته و تا این اندازه، متنوع و متفاوت، با فکر و شعر او برخورد شده است.

در ادبیات فارسی، یکی از شاخص‌ترین و پرتطرفدارترین تیره‌های فکری را تیرهٔ تفکر خیامی تشکیل می‌دهد. این اندیشه‌ها هر چند که در زمانهای مختلف و تحت تأثیر مقتضیات خاصی با صورتهای گوناگون و در قالبهای مختلف هنری تجلی یافته‌اند، همزاد ادبیات فارسی بوده‌اند. از رودکی و شهید بلخی تا فردوسی و خود خیام گرفته تا حافظ و شاعران پس از او تا صادق هدایت و اخوان ثالث و ... به این تیرهٔ فکری تعلق دارند.

در این پژوهش ما با چنین رویکردی به شعر خیام می‌نگریم که بحث پیرامون صحت انتساب رباعیات - اگرچه در جای خود مفید و لازم است به چنان مسأله بغرنجی تبدیل شده که انگار سر حل شدن ندارد و نخواهد داشت. بنابراین حتی اگر رباعیات منسوب به خیام - فرضاً - از خود شخص حکیم عمر خیام هم نباشند، باز ادبیات فارسی چیزی از دست نخواهد داد، چرا که در برابر امواج فراگیر اشعار تعلیمی، عرفانی و صوفیانه و ... وجود این گونه اشعار (رباعیات خیامی)، خبر از وجود جهان بینی و نگرشی متفاوت در میان اندیشمندان ایرانی می‌دهند و حضور این بنمایه‌ها و اندیشه‌ها و نسبت دادن آنها به حکیم عمر خیام نیشابوری (به عنوان نمایندهٔ این طرز تفکر و جهان بینی)، این اجازه را به ما خواهد داد تا از «مکتب تفکر خیامی» در ادبیات کهن و معاصر فارسی سخن بگوییم.

۱-۲- «خیام پنداری»

مقارن با آغاز دهه ۱۳۲۰ هـ ش شخصی به نام «رضا صدیقی نخجوانی» در تبریز، کتابی با عنوان «خیام پنداری و پاسخ افکار قلندرانۀ او» منتشر می‌کند که آن را در اندک زمانی به چاپ دوم هم می‌رساند. مؤلف، این کتاب را در دو بخش نوشته است: بخش اول شامل نوزده عنوان در موضوع بررسی مسایل مرتبط به خیام از نظر گاه نویسنده و بخش دوم، پاسخهای مخالف که به صورت کلام منظوم و در قالب شعری رباعی به محتوای سروده‌های خیام-آن گونه که مورد برداشت وی و حاصل تصورات ذهنی‌اش از سرایندهٔ رباعیات و اندیشه‌های او بوده - داده است و در واقع «نقیضه» (Parodie) برای رباعیات ساخته است.

صدیقی نخجوانی در مقدمه بحث خود، راجع به محتوای رباعیات خیام نوشته است:

«افکار قلندرانه که بدبختانه از زمان مغول به این طرف دامن ادبیات ما را آلوده گردانیده است، صدگونه پستی و زیبونی با خود دارد و امروزه که به یاری خدا زمان فر و فیروزی ایران فرا رسیده است، سزاوار نیست که کسانی به هواداری این اندیشه‌های پست برخاسته و جوانان ایرانی را از این راه به سوی قلندری و لاقیدی و پستی و سستی و زیبونی بکشانند. این خیره سران باید بدانند که ایران امروز جز از ایران دورهٔ مغول است و افکار و آثار مسموم آن دورهٔ زیبونی بایستی یکسره به دیار نیستی و فراموشی رهسپار گردد.

مایهٔ افسوس است که بدخواهان اسلام و ایران برای آنکه نظر جوانان را به سوی افکار قلندرانه معطوف نموده و از این راه ایشان را به سعی و عمل و دین و اخلاق بی‌علاقه گردانند، مجموعه رباعیاتی را که متضمن اندیشه‌های پست می‌باشد به حکیم عمر خیام نیشابوری منسوب نموده و نام گرامی این دانشمند نامی را دستاویز پیشرفت مقاصد خود قرار داده‌اند.^۱»

نویسنده در فصل اول کتاب به نقد اخلاقی مضامین رباعیات دست زده و آنها را بی‌سرو ته و فاقد هر گونه فکر و فلسفه دانسته و براساس همین پندار، کسانی که این رباعیها را از حکیم نیشابوری می‌دانند خطا کار و فریب خورده معرفی می‌کند.^۲ اما دلایلی که در گفتار دوم به منظور تبرئه حکیم عمر خیام از «لوث رباعیات ننگینی که به نام او معروف گردیده» ذکر می‌کند، به طور خلاصه از این قرار است:

۱. خیام پنداری و پاسخ افکار قلندرانۀ او، ص ۴.

۲. همان، ص ۱۳.

۱) صدیقی نخبوانی بر این باور است که حکیم نیشابور با آن جایگاه والایی که در عالم دانش و خرد داشته است هرگز باورکردنی نیست که لب به سخنانی گشوده باشد که با خرد و دانش ناسازگار است.

۲) دوره زندگی حکیم نیشابوری مقارن با زمان سلطنت ملک‌شاه سلجوقی بوده است و در آن زمان به شهادت صفحات تاریخ، همگان سر در کنف اطاعت اسلام داشته و تعلیمات اسلامی را سخت گرامی می‌داشته‌اند و کسی قادر نبوده که با جسارت، دستورهای آسمانی را ریشخند و استهزا کند.

۳) حکیم عمرخیام در قسمتی از اثری با نام «روضه القلوب»^۱، تصریح نموده است که تمایل به مسلک تصوف داشته و تهذیب اخلاق و تصفیه باطن را بهترین وسیله برای درک حقایق می‌دانسته است؛ در حالی که سراینده رباعیات، هیچ میانه‌ای با تصوف نداشته و جز باده‌گساری و کام‌گزاری هیچ مرادی در دل نداشته است.

۴) در بعضی کتابهای قدیمی مانند «نزهه الارواح»، «چهارمقاله»، «کامل التواریخ» و در مقدمه «رساله جبر و مقابله» خود حکیم نیشابور، نام وی «خیّامی» ذکر شده است نه «خیّام». از این رو می‌توانیم گوینده رباعیات و مدون رساله‌های حکمت و جبر و مقابله و زیج ملکشاهی را دو شخص متمایز شماریم که یکی نام «خیّامی» و دیگری عنوان «خیّام» داشته باشد.^۲

۵) به شعرهای عربی خیّام استناد کرده و مدعی شده است که سراینده اشعار عربی مردی آزاده و پاکدامن بوده و مردم را از هوسرانی و گمراهی باز می‌داشته است؛ در حالی که خیّام رباعی گو به امور اخلاقی کوچکترین توجهی نداشته بلکه مخالف آنها بوده است.

مطالب گفتار سوم «خیّام پنداری و ...» از همه مهمتر است. در این بخش، مؤلف به بحث طولانی در خصوص اینکه معاصران [ما]، خیّامی از پندار خود پدید آورده‌اند و این خیّام هرگز آن دانشمند و حکیم نیشابوری نیست و این اشعار، سروده‌های رندانی بی‌سر و پا و قلندرانی سپینه چاک می‌باشد، دادسخن داده است و مهمترین دلیل درستی فرض و گمان خود را چنین بیان میدارد که: «روشن‌ترین مدعای ما آن است که شماره رباعیات منسوب به خیّام در نسخه‌های مختلف خطی و چاپی به نسبت فاصله از زمان حکیم عمرخیّام نیشابوری رو به فزونی نهاده است و امروزه نسخه‌هایی

۱. منظور همان «رساله در علم کلیات وجود» (سلسله الترتیب) است که قسمت سوم آن را نخستین بار به سال ۱۹۰۵ میلادی، خاورشناس دانمارکی، کریستن سن در مجموعه‌ای با نام «روضه القلوب» پیدا کرد. (رک: دانشنامه خیّامی، ص ۳۷۸).

۲. این دستمایه را محمد محیط طباطبایی مخصوصاً در طرح فرضیه دو خیّام مورد استفاده قرار داده است. (رک: خیّامی یا خیّام، ققنوس: ۱۳۷۰).

از آن در ایران و هندوستان به چاپ رسیده که زیاده از هشتصد رباعی در بردارد.^۱ جالب اینجاست که در عین حال نوشته است:

«چنان که گفتیم و دلیلهایی برگرفته خود یاد کردیم، دامن حکیم عمر خیّام نیشابوری از لوث این رباعیات پلید پاک است و ما در کتابهای تاریخ، کسی را که رند لا ابالی بی سر و پا باشد سراغ نداریم^۲ در اینجاست که پای خیّام پنداری به میان می‌آید و مقصود ما از کلمه خیّام در این رساله همان خیّام پنداری است که صدها رباعی ننگین به نام او معروف گردیده است»^۳

و سرزنش و نکوهش را از او دریغ نمی‌دارد چرا که به عقیده مؤلف کتاب، این گفته‌های پلید نه با دستورهای آسمانی موافقت دارد و نه با مصالح اجتماعی مطابقت می‌کند.

پیداست که انگیزه اصلی نویسنده از نوشتن کتاب مزبور، خطری بوده که وی به زعم خود- از ناحیه رواج و فراگیری پیام رباعیات خیّام برای دین، ملیت و مصالح اجتماعی احساس می‌کرده است و از همین رو در گفتار چهارم کتابش با عنوان: «خیّام برای ایران است نه ایران برای خیّام» می‌گوید:

«ما رباعیات ننگین خیّام را مایه تباهی ایران می‌دانیم و این سخن را ناسنجیده نمی‌رانیم. هر گاه تعصب و تقلید را به کنار نهاده و دانش و خرد را راهنمای خود قرار بدهیم، خواهیم دریافت که این افکار قلندرانه با راهی که امروز جهانیان زیر پا دارند و ما نیز ناگزیر از پیمودن آن هستیم سازگار نمی‌باشد»^۴.

ما بی آنکه در برابر دیدگاههای صدیقی نخجوانی موضع موافق یا مخالف اتخاذ کرده باشیم، معتقدیم که سخنان او از یک لحاظ بر حقیقتی استوار است و آن، همانا سخن گفتن از «خیّام پنداری» است البته نه با مفهومی که مورد نظر نویسنده کتاب مذکور است. بلکه به این معنی که به دلیل فقدان مدارک دست اول و معتبر پیرامون شعر خیّام و اندیشه‌هایی که او در رباعیاتش بیان داشته، «هر کسی از ظن خود یار» او شده و از دریچه چشم خود به مسأله خیّام و رباعیات نگریسته است. به طوری که مثلاً در همان زمانی که فیتز جرالد در انگلستان، رباعیات را ترجمه کرد و منظومه‌ای شامل ۱۰۱ بند، از اشعار خیّام پدید آورد و در آن منظومه، رباعیهای سازگار با ذوق و علاقه خود را گزینش نمود و خیّام را «پیکوری مشرب» دانست،

۱. خیّام پنداری و ...، ص ۲۰.

۲. آیا همین مسأله کافی نبود که صدیقی نخجوانی در مفروضات خود تردیدی پیدا کند و زمام احساسات خود را این گونه بی‌پروا رها ننماید!؟

۳. همان، ص ۲۱.

۴. همان، صص ۲۳-۲۴.

نیکلای فرانسونی، از اشعار خیّام تفسیری صوفیانه ارائه داد! بنابراین اختلاف نظر و عقیده پیرامون خیّام از هر شاعر و اندیشمند دیگری بیشتر بوده است و این نتیجه حاصل می‌شود که خواه ناخواه همه پژوهشگران و صاحب‌نظرانی که در مورد خیّام تحقیق نموده و می‌نمایند، از خیّام پنداری خود سخن می‌گویند؛ منتها نکته ای که نباید مورد غفلت قرار گیرد این است که به هر حال در طول قرنهای متوالی، اشعاری با درونمایه‌هایی مبتنی بر پرسشهای بنیادین پیرامون مسائل مربوط به هستی و فلسفه زندگی، به نام «خیّام» شهرت یافته‌اند که بخشی از میراث ادب فارسی را تشکیل می‌دهند و این طرز تفکر و جهان بینی، در میان گروهی از شاعران و متفکران رواج داشته و دارد. با توجه به اینکه این شیوه نگرش به هستی و تأمل در مسائل مربوط به آن در ادبیات فارسی، «تفکر خیّامی» نامیده می‌شود، حضور این افکار و درونمایه‌ها را در آثار هر شاعر یا نویسنده، جلوه‌های «خیّام پنداری» می‌نامیم و از «خیّام پنداری» ایشان بحث می‌کنیم.

۱-۳- خیّام در غرب

از آنجا که شهرت و آوازه خیّام در ادبیات معاصر جهان مرهون حوادثی است که پس از ترجمه رباعیات به زبان انگلیسی در قرن نوزدهم اتفاق افتاد، خالی از لطف نخواهد بود اگر در این مقدمه، اشاره گونه‌ای به این مسأله داشته باشیم.

در سال ۱۸۵۹ میلادی یک شاعر انگلیسی به نام ادوارد فیتز جرالده (۱۸۸۳-۱۸۰۹م) محتوای تعدادی از رباعیات خیّام را به صورت ترجمه آزاد منتشر کرد و در نوبتهای بعد همان را با تغییرات و افزوده‌هایی مجدداً به چاپ رساند. انتشار این ترجمه توجه بی‌سابقه اروپاییان را در پی داشت و البته این مایه از شهرت و رواج که علاقه شدید مردم مغرب زمین را به سروده‌های حکیم نیشابور نشان می‌داد، از حسن تصادفی برکنار نبود. به هر حال در اندک زمانی رباعیات خیّام شهرت جهانی یافت و غربیان در آن هنگامه سخت و دشوار به پیامی روحبخش و متعالی احتیاج داشتند و ترانه‌های دل‌انگیز خیّام از مشرق زمین برای آنها سراسر شور و شگفتی می‌آفرید.

در واقع یکی از عمده‌ترین علل شهرت خیّام در غرب تصویری بود که فیتز جرالده از خیّام برابر دیدگان ایشان به نمایش گذاشته بود:

«... ترجمان و برگردان فیتز جرالده از شعر خیّام که حاوی اندیشه و تفکر مداوم در باب تحلیل و ترکیب ماده بود، به زودی نظر همه مادی مشربان را به ویژه خیل عظیم روشنفکران غربی را به سوی خیّام

کشانید تا آنجا که برخی از خوانندگان رباعیات خیّام، به خیال خود گمان برده بودند که عمر خیّام نیز در زمرهٔ مادیون غربی است، مانند خود اسپنسر یا داروین و یا دیگر فیلسوفان غربی و لیکن در باب ترکیب و تحلیل اشیاء مادی و به ویژه تلاشی و تجزیهٔ پیکر ماهرویان و نازنینان در خاک، شعر خیّام همین مقوله را مکرر کاویده بود، و لذا به همان رباعیات نیز باید نظر افکنیم چون در برگردان و ترجمان شعر خیّام به زبان لغت انگلیسی، فیتز جرالده همه ترانه‌هایی را که بوی مادیگری از آن می‌تراوید متعمداً گزین کرده بود تا چهره و شخصیت خیّام را به مثابه یک فیلسوف شرقی، و لیکن مادی مشرب مانند اپیکور، لوکرسیوس و یا اسپنسر در زمرهٔ مادیون دنیا بشمرد. از سویی تردید نیست که رگه‌هایی مادیت و ارتداد و اته‌ایزم را در شعر خیّام می‌توان یافت، لیکن مسأله این است که ادوارد فیتز جرالده به غلظت آن افزوده بود، و لذا همین مقوله یکی از علل مقبولیت و شهرت خیّام در انگلستان و بعد از آن در غرب و ایالات متحده بود، یعنی آنان به خیال خود گمان برده بودند، و حتی این سخن را نجوا کرده که خیّام نیز از خودمان است، یعنی شاعری شرقی و لیکن با تفکر و اندیشهٔ غربی یعنی ماده‌نگر، مرتد و لامذهب^۱.

به بیان دیگر آنان شیفتهٔ سیمای خیّام پنداری خود شده بودند نه خیّام تاریخی و حقیقی که فقدان مدارک معتبر و اسناد قابل اطمینان، در گذار قرون متمادی از او یک اسطوره ساخته بود.

معمولاً فلسفه‌های بدبینانه در شرایط بحرانی، مجال پیدایش و گسترش بیشتری می‌یابند و قرن نوزدهم میلادی و ادبیات دورهٔ ویکتوریا که فیتز جرالده از شاعران آن دوره محسوب می‌شود، دچار چنان بحرانهای شدیدی بود که آن دوره را «دورهٔ شک و ایمان»^۲ نامیده‌اند. غربیان در آن شرایط خاص و بحرانی وقتی با این «سرود زرین شرقی» روبرو شدند، سخت به شگفت آمدند و در پی آن اینهمه محقق و پژوهشگر کتابخانه‌های دنیا را زیر پا گذاشتند تا مگر از گوشه و کنار، ترانه‌های دیگری به نام خیّام و در مسیر موافق با پیام خیّام اپیکوری بیابند. از این رو به درستی گفته‌اند: «عمر خیّام معروف دنیا که شکاکیت و خوشگذرانی را تجویز می‌کند عمر خیّام نیشابوری نیست بلکه عمر خیّام قرن نوزدهم انگلستان است که در کشمکشهای اجتماعی و مذهبی می‌زیسته است»^۳. به هر حال در آن موقعیت حساس پس از جنگهای اروپا و زمانی که «فردیت» برای مردم مغرب زمین اهمیت اساسی یافته بود،

۱. خیّام و عقاب الموت، ص ۳۴۱.

۲. رک: خلاصهٔ مقالات کنگرهٔ بین المللی بزرگداشت نهمین سالگرد وفات حکیم عمر خیّام نیشابوری، ص ۳۲.

۳. «فیتز جرالده و ادبیات فارسی»: اسماعیل زارع بهتاش، مندرج در «خلاصهٔ مقالات کنگرهٔ بین المللی...» ص ۳۳.

رباعیهای خیام توانست به راحتی در میان آنان جا باز کند و با استقبالی چشمگیر و بی سابقه روبرو گردد.^۱

بی‌سببی نیست که برخی پژوهشگران چون پیرپاسکال مدعی شده‌اند که از تمام مکتبهای فلسفی جدید در رباعیات خیام، سایه و ته رنگی دیده می‌شود. گرچه ممکن است تفاوت‌های ماهوی بسیاری نیز میان این فلسفه‌ها وجود داشته باشد؛ اما آنچه مسلم است پرسشهای فلسفی خیام، از جنس همان پرسشهایی است که اصول برخی فلسفه‌های جدید را تشکیل می‌دهند: «صرافان سخن و نقادان هنر در خاور و باختر گفته‌اند که تمام پرسشهای فلسفی، از زمان افلاطون، ارسطو تا زمان کانت یا دوران جدید و پیدایی فلاسفه مدرن مانند سارتر و هایدگر، در شعرهای عمر خیام نیز مندرج است»^۲. حتی برخی از این هم فراتر رفته و خیام را پیشکسوت فلاسفه جدید در تاریخ فلسفه دانسته و از جهاتی او را برتر از فلاسفه جدید معرفی کرده‌اند:

«مسئلاً این پیشکسوت پاسکال و کی‌یر که گارد را که هشت قرن پیش از هوسرل می‌زیسته، می‌توان و باید پایه‌گذار بحث وجود از نظر «پدیدارشناسی» شمرد، با اینهمه باید گفت که در فلسفه خیام چیزهایی بیشتر از آنچه در اگزیستانسیالیسم می‌توان سراغ گرفت وجود دارد. زیرا این فیلسوف که در آغاز دلش سرشار از دلهره بود در پایان روش فلسفی خود به آرامش و حال خوشی که ویژه خدایان المپ نشین است رسید، در حالی که متفکران اگزیستانسیالیست کمتر به آن دست یافته‌اند»^۳.

دکتر احمد ایرانی نیز نوشته است:

«خیام بیش از نهمصد سال پیش یکی از پیشتازان فلسفه‌هایی چون ماده‌گرایی (ماتریالیسم)، هستی‌گرایی (اگزیستانسیالیسم) و به ویژه فلسفه اصالت انسان (اومانیسم) بوده است ... در فلسفه‌های ماتریالیسم، اگزیستانسیالیسم و به ویژه اومانیسم، انسان در جهان هستی جایگاه ویژه‌ای ندارد؛ هدف از آفرینش هستی، خلقت نوع انسان نبوده است ... انسان جز در برابر خود و ممنوع خود مسئول یا پاسخگوی هیچ «نیروی» دیگری نیست؛ با مرگ انسان، تن او دگرگون می‌شود و هرگز بازگشتی به صورت پیشین امکانپذیر نخواهد بود. در بسیاری از رباعیهای فلسفی خیام، باورها و نظریات بالا بازتاب یافته‌اند»^۴.

۱. خیام نامه، ص ۳۴۵. به منظور اطلاع دقیق از داستان شهرت خیام در غرب و ساختن باشگاهها و مراکزی

به نام وی در آن سامان، رک: صهبای خرد، صص ۳۲۶-۳۳۵.

۲. خیام و عقاب الموت، ص ۲۹۰.

۳. می و مینا: صص ۴۷۴-۴۷۳. از مقاله: جعفر آقایی چاووشی، با عنوان: «ورود به دنیای خیام».

۴. پیام فلسفی خیام، دکتر احمد ایرانی، صص ۲۸-۲۷.